

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ به دست دانشجویان پیرو خط امام، رویدادی مهم و بحث‌برانگیز در تاریخ پس از انقلاب است که بسترساز بسیاری از تحولات بعدی شد. کشف و انتشار اسناد محرمانه سفارت آمریکا- که بیانگر فعالیت گسترده جاسوسی تحت پوشش فعالیت‌های دیپلماتیک بود- از اتفاقات مهم مرتبط با این حادثه است؛ فرآیندی که زوایای جدیدی از دخالت‌های پیدا و پنهان ایالات متحده آمریکا در طول دوران حکومت محمدرضا پهلوی و بویژه سال‌های منتهی به انقلاب و ماه‌های پس از پیروزی آن را آشکار کرد.

■ **پایان تسخیر؛ آغاز انتشار**

شکل‌گیری جبهه تبلیغاتی رسانه‌های غربی علیه این اقدام انقلابی و همچنین برخی مخالفت‌های داخلی، دانشجویان اشغال‌کننده سفارت را به انتشار گسترده اسناد و مستندسازی اقدامات آمریکایی‌ها ترغیب کرد. از این رو، تلاش کردند اسناد کشف‌شده را مطالعه، طبقه‌بندی و سپس منتشر کنند. دانشجویان با وجود آنکه در زمینه امور اطلاعاتی و کشف رمز اسناد پیچیده تجربه نداشتند، اما به‌خوبی از عهده این کار طاقت‌فرا برآمدند. این اسناد از اسرار جاسوسی‌ها و دخالت‌های بی‌شمار آمریکا در ایران و کشورهای مختلف جهان برده برمی‌داشت و اسامی بسیاری از عوامل و رابطان آمریکا و انواع شیوه‌های جاسوسی و تحرکات سیاسی این کشور را در مناطق مختلف جهان افشا می‌کرد. یکی از دانشجویانی که موفق می‌شود قبل از نابودی کامل اسناد کاغذی و میکروفیلم‌ها، به بخشی از آنها دست یابد، می‌گوید: «هر انتهای یکی از راه‌روهای سفنرات با یک دیوار بلند فولادی برخورد کردم که خیلی مشکوک بود. صداهای خفیفی هم از آن سوی دیوار به گوش می‌رسید که بعدها فهمیدیم صدای دستگاه خردکن اسناد بوده است. یکی از گروگان‌ها را که در بازجویی‌ها

فهمیده بودیم توانایی باز کردن قفل‌های رمزدار را دارد به کنار آن دیوار آوردیم و گفتمیم باید اینجا را باز کنی. اول امتناع می‌کرد. بالاخره با اصرار زیاد آن در فولادی را که به شیوه خاصی رمزگذاری شده بود باز کرد. وقتی وارد آن محوطه شدیم، دیدیم آنجا دنیایی از میکروفیلم، میکروفیش و انواع وسایل اینهدام موجود است. تعدادی آمریکایی با دستگاه‌های موجود مشغول خرد کردن و اینهدام اسناد و مدارک محرمانه بودند. باافاصله همه را بازداشت و دستگاه‌ها را خاموش کردیم. به این ترتیب، توانستیم به بخشی از اسناد دست پیدا کنیم. در حالی که بخش قابل توجهی هم از بین رفته بود.»<sup>(۱)</sup> «رضا سیسقالی» از روشنفکران و سیاستمداران ایران و نیز مدیريت لانه جاسوسی، در رابطه با چگونگی دسترسی به این اسناد می‌گوید: «اسناد ۳ قسمت‌بود. یک قسمت آنها که دست‌نخورده باقی مانده بود، اینها اسناد عادی بودند، اگرچه بعضی از اسناد طبقه‌بندی‌شده هم در اینها وجود داشت و با این‌ها فرصت نکرده بودند آنها را از بین ببردند. یک قسمت اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسناد عادی است و به ابعاذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از مسائل انقلاب و کشور ما می‌پرداخت و بعضی اسناد هم که طبقه‌بندی داشت و به نظر می‌آمد فرصت نکرده بودند کاری نسبت به آنها انجام بدهند. یک بخش از اسناد هم پورش شده بود. بشک‌های مختلف و دستگاه‌های متعددی در قسمت‌های طبقه‌بندی‌شده وجود داشت که در چند ساعتی که ما مشغول را پیدا کردن و ورود به ساختمان مرکزی بودیم، اینها فرصت داشتند و با آن دستگاه‌ها آنها را یسود کرده بودند. ما نتوانستیم این پودرها را بازسازی کنیم.»<sup>(۲)</sup> دکتر «محمدحاشم یزدان‌پرست»، یکی دیگر از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز در این‌باره می‌گوید: «یکسری از اسناد و میکروفیلم‌ها که زیر دستمای جانی شده، هنوز هم بازسازی‌اش ممکن نشده است. یکسری هم رشته شده بود که بچه‌ها رشته‌ها را کنار هم چینند و با تلاش شبانه‌روزی آنها را بازسازی کردند و برخی اسناد هم در نورهای کلمت به رمز تبدیل شده بود که جاسوس‌های آمریکایی به علت عجله نتوانسته بودند این نور‌ها را از بین ببرند. پشت کامپیوترهای افتهاد و از دید آنان پنهان شده بودند. در دفتر کار کاردار هم مقداری اسناد پیدا شد که اینها هم



دانشجویان پیرو خط امام در حال مطالعه اسناد کشف‌شده در سفارت آمریکا، ۱۳ آبان ۱۳۵۸

**مدارک به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا، چراغی برای سیاستمداران امروز**

# مطالعه این اسناد واجب است!

- **سیدمرتضی حسینی\***

دست اول و فوق‌سری بود. کاردار زمان تسخیر رفته بود وزارت امور خارجه و یکسری اسناد بسیار مهم و فوق‌سری را با بی‌مبالاتی روی میز کارش گذاشته بود. به هر حال، اسناد اولیه که ما منتشر کردیم، بیشتر درباره دخالت آمریکا در امور ایران بود. بخشی از اسناد، هم درآمد که ما صلاح نمی‌دیدیم آنها را مطرح کنیم، چون فکر می‌کردیم اختلاف به وجود می‌آورد. با امام که مشورت شد، امام گفتند: همه اسناد را همان‌گونه که هست برای مردم بخوانید.»<sup>(۳)</sup> عهده این اسناد گزارش اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی و مسائل داخلی ایران بود. به گفته میلانی «اسناد مذکور یک نیمرخ روانی و سیسقالی» از روشنفکران و سیاستمداران ایران و نیز توصیفی دقیق از تماس‌های صورت‌گرفته میان سفارت آمریکا و تمام اقدشار جامعه ایران ارائه می‌کرد.»<sup>(۴)</sup> آن بخش از اسناد که مربوط به تبیین شرایط باسقاطلالی کشور و معرفی رجال و مهره‌های فعال در این رویداد می‌شد، اهمیت وافری می‌یافت. اگرچه کارکنان سفارت به‌محض احساس خطر، اسناد طبقه‌بندی‌شده و مهم را با دستگاه کاغذخردکن از بین بردند، اما دانشجویان به‌همراه گروهی از داوطلبان، بسیاری از سندهای به‌جامانده را بازسازی کردند. این گروه با حوصله و پشتکار رشته‌های باریک کاغذ را با توجه به رنگ و جنس کاغذ با اندازه حروف از هم جدا کردند و با کنار هم گذاشتن آنها اسناد مهمی را به دست آوردند که بعضی از آنها در مطبوعات روز با به‌صورت جزوه‌های کوچک به نام اطلاعیه افشاگری به چاپ رسید. چاپ اسناد در قالبی مدون و به‌شکل کتاب در سال ۶۴ توسط «مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا» توسط دانشجویان پیرو خط امام آغاز شد و تاکنون به‌مور ۲۴ جلد به ۲ زبان انگلیسی و فارسی منتشر شده است. هر یک از جلدهای این مجموعه به یک موضوع خاص داخلی یا خارجی اختصاص یافته و تا مدت‌ها از کتاب‌های جنجال‌برانگیز و مورد توجه بود.

■ **اصالت اسناد یا گزینش اسناد؛ مسأله این است!**
یکی از مسائلی که همواره مدنظر برخی صاحب‌نظران و منتقدان قرار داشته و دارد، میزان اصالت و صحت اسناد و همچنین دقتخیل کردن نگرش‌های سیاسی از سوی تدوین‌کنندگان آن است.



این دسته از منتقدان معتقدند دانشجویان پیرو خط امام به‌منظور به حاشیه راندن مخالفان سیاسی خود و بویژه اعضای دولت موقت، دست به این اقدام زدند.»<sup>(۵)</sup> «هاشم صباغیان»، معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور دولت موقت، در مصاحبه با سایت تحلیلی «تاریخ ایرانی» در این‌باره می‌گوید: «این اسنادی که با تسخیر سفارت به دست دانشجویان افتاد و منتشر شد، چه چیزی را روشن کرده؟ کدام گره کور را باز کرده؟ اسنادی که منتشر شد هیچ‌کدام مطلب نداشت‌های را فلاش نکره. هر چند تمام اسناد کشف‌شده در سفارت آمریکا منتشر نشد. تنها اسنادی منتشر شد که مورد نظر یک گروه خاص بود. انتشار گزینشی اسناد کشف‌شده در سفارتخانه‌ها، یکی از ضررهای تسخیر سفارت به آن شکل برای ایران بود که کمتر به آن پرداخته شده است. دانشجویانی ۲۰ تا ۲۲ ساله که تجربه زیادی در مبارزه نداشتند، به هر دلیلی تصمیم گرفتند تنها بخشی از اسناد را منتشر کنند و مابقی آن را از بین ببرند.»<sup>(۶)</sup> «ابراهیم اصغرزاده» در پاسخ به این شبهه می‌گوید: «ما در بررسی اسناد با برخی اسامی روبه‌رو شدیم که اگرچه جاسوس نبودند، اما سازمان سیا یا سفارت آمریکا با آنها ملاقات می‌کرده و بعد از ملاقات آنها را تحلیل شخصیت و اطلاعات آنها را نیز تحلیل محتوا می‌کرده است. در بین این اسامی، نام برخی مقامات دولتی نیز وجود داشت. با حضرت امام مشورت کردیم و ایشان گفتند اسناد سندی درباره من هم پیدا کردیم، منتشر کنید؛ اسناد را به اطلاع مردم برسانید، بدون اینکه شخصیت کسی را لجن مال کنید. بنابراین در شورای مرکزی تصمیم گرفتیم اسنادی را که دارای طبقه‌بندی محرمانه و سری نیستند، منتشر کنیم و بقیه اسناد را به نهادهای امنیتی و ذی‌ربط بدهیم.»<sup>(۷)</sup> مجموعه کتاب‌های «اسناد لانه جاسوسی» در دربرگیرنده موضوعات گوناگون است و همین ویژگی، در کنار محرمانه و غیرقابل دسترس بودن آنها و همچنین وجود اسناد مأموران سازمان سیا در میان آنها، بر اهمیت و ارج این اسناد می‌افزاید. با این حال، نحوه عمل برخی دانشجویان- که بیشتر دنبال افشاگری و پرورنده‌سازی علیه برخی چهره‌های سیاسی آن روزگار بودند- موجب شد این مجموعه از سوی پژوهشگران ایرانی مورد توجه شایسته قرار نگیرد. حال آنکه پژوهشگران سایر

مانند بخشی از این موارد، آنچه می‌توان گفت این است که به هر حال، پژوهشگران تاریخ و سیاست با مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد موجود در سفارت سابق آمریکا مواجهند که به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به چاپ رسیده است. دولت و پژوهشگران آمریکایی نیز این اسناد را تکذیب نکرده‌اند و حتی اگر هنگام تدوین این مجموعه، اسنادی گزینش و اسنادی دیگر حذف شده باشند، مجموعه اسناد منتشرشده فاقد ارزش بررسی نیستند و می‌توان با وسواس محققانه، به بررسی همین اسناد منتشرشده پرداخت.

■ **مرور دوباره اسناد لانه جاسوسی؛ ضرورت امروز نخبگان فکری و سیاسی**

مجموعه اسناد لانه جاسوسی به‌وضوح نشان‌دهنده وجود اختلاف‌نظر و دیدگاه متفاوت بین جناح‌های امنیتی (سازمان سیا)، نظامی (پنتاگون) و سیاسی (وزارت امور خارجه) در موضوع انقلاب ایران است و نشان می‌دهد آنچه درباره مهارت آمریکایی‌ها درباره برنامه‌ریزی‌های دقیق و بلندمدت تبلیغ می‌شود، عمدتا اغراق‌آمیز و دور از واقعیت است. اسناد منتشرشده نشان می‌دهد در ساختار سیاسی آمریکا، اختلاف‌نظرهای عمیقی وجود دارد و گاهی این اختلاف‌ها به حذف طرف مقابل به هر وسیله و شیوه‌ای می‌انجامد. به‌علاوه این تفکر که ابرقدرت‌ها برای ده‌ها سال آینده برنامه‌ریزی کرده و دیگران تنها مجری سیاست‌های ازپیش‌تعیین‌شده آنها هستند را تردید جدی روبه‌رو می‌شود. بررسی تحلیلی مواضع هیات حاکمه آمریکا و ساختار و نهادهای سیاسی این کشور در قبال بحران‌ها و مسائل سیاست خارجی در سال‌های پیروزی انقلاب و پس از آن، می‌تواند تجربه ذی‌قیمتی را در اختیار متولیان امروز دستگاه سیاست خارجی کشور قرار دهد چراکه گذشته چراغ راه آینده است. توجه به این چراغ در ساحت سیاست و دیپلماسی، روشنگر و دوران‌ساز و فغلت از آن، زیان‌آور و فرصت‌سوز خواهد بود. مطالعه و تعمیق در مجموعه اسناد لانه جاسوسی نشان می‌دهد اگر مبارزه تنها با سقوط نظام استبدادی پایان‌یافته تلقی شود، باز هم امکان توطئه دشمنان و تکرار حوادث تلخ گذشته فراهم خواهد بود. «مجموعه اسناد لانه جاسوسی که به دست آمده، چه آنهایی که مربوط به بخش‌های غیر سازمان سیای سفارتخانه بود، اعم از تحلیل‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و بخش‌های مختلف و چه اسنادی که مربوط به سازمان سیاست، در حقیقت بخش جاسوسی و کارهای جاسوسی آمریکا در منطقه را توضیح می‌دهد. مجموعه گرتنهایی است که باید سرمایه‌های ملی ما محاسب شود، چون همه آنها حاشیه عملکرد آمریکا در طول سال‌های حکومت شاه بر ایران بودند.»<sup>(۸)</sup>

**پی‌نوشت**

- ۱- امیرحضا ستوده، بحران ۴۴۴ روزه در تهران، مؤسسه نشر ذکر، ۱۳۷۸، ص ۸۹ و ۹۰
- ۲- گفت‌وگو با رضا سیسقالی، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۲۰، پاییز ۸۹، ص ۲۸
- ۳- همان، ص ۵۶
- ۴- محسن میلانی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، نام‌گو، ص ۳۱۱
- ۵- محسن میلانی، همان، ص ۲۱۲
- ۶- گفت‌وگو با سایت «تاریخ ایرانی» با هاشم صباغیان: http://tarikhiran.ir/fa/news/۱۴۸۹/bodyView/۱۴۸۹
- ۷- گفت‌وگو با ابراهیم اصغرزاده، هفته‌نامه شهروند امروز، شماره ۲۳، یکشنبه ۱۳ آبان ۸۶، ص ۴۲
- ۸- گفت‌وگو با مارک گاوزبوروسکی درباره روابط دولت سازمان و آمریکایی‌ها، ماهنامه اندیشه پویا، سال اول، شماره پنجم، بهمن ۹۱، ص ۶۹
- ۹- محمدحسین منظورالاجناد، ضرورت نگاه دوباره به اسناد لانه جاسوسی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، زمستان ۷۸، ص ۱۷۰
- ۱۰- اصغرزاده، همان

■ **پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی منبع:برهان**

دربروز و دیشب را عرض کردم، موضوع فحش‌کاری وزیر خارجه را عرض کردم. فرمودند خیال دارم او را عوض کنم، به کسی نگویی ولی بسیار بچه سبک‌مغزی است. پشیمان هستم چرا او را تعیین کردم، دالم‌آباد مواظب ما هم عهد و پیمان پاکستان هستیم و ممکن نبود از این بی‌معنی‌تری یک کسی حرف بزند. عرض کردم اردشیر زاهدی وزیر خارجه از سفر آمریکا برگشته (برای سازمان ملل رفته بود)، خیلی روحیه خرابی دارد، چون فکر می‌کند مورد مرحمت نیست. فرمودند پسر خوبی است؛ دوستش دارم، او هم مرا دوست دارد، به جای خود محفوظ ولی شخص احمقی است. از او بپرسید چرا به هیأت دولت حاضر نمی‌شود؟ چرا بی‌جهت به مردم فحش می‌دهد؟ این فخر فروشی‌ها برای این است که نه سواد داری و نه فهم، ظهر سفیر ما در واشنگتن هوشنگ انصاری... پیش من آمد. عجیب از دست اردشیر وزیر خارجه گل‌مغذ بود. اگر آنچه می‌گفت راست باشد واقعا این پسر دیوانه است. عجیب این است که نلم‌های از عباس آرام سفیر ما در لندن دارم که عین این شکایت را از وزیر خارجه دارد و همچنین از سفرای دیگر به گوشه و کنایه. خدا عقابت این بچه را که خیلی هم دوستش دارم به خیر کند. معلوم می‌شود برای این کار کوچک است. امشب سر شام خیلی شکایت بیشتری از گل‌ودرد می‌فرمودند ضمناً مرا کناری کشیدند فرمودند:به اردشیر وزیر خارجه ابلاغ کن این چه نوع رفتاری است که با سفرا داری؟ مگر اینها تو کر تو هستی؟ باید خیلی سعی و دقت کنی، اینها نماینده من هستند. تو هیچ حق مداخله نامشروع در کار آنها نداری... من می‌خواهم فردا با اردشیر صحبت بکنم. نمی‌دانم چه بگویم. جریانات

■ **منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران**

### بازخوانی ۹

مقایسه تطبیقی آرای فقهی و رفتار سیاسی آیت‌الله منتظری
**تضاد با خویش**
**حسن رحیم‌پور ازغدی:** در قانون اساسی، رئیس‌جمهور موظف به اجرای فرامین رهبر و مفاد قانون اساسی در حیطه کار خود (امور اجرایی) و بدون هیچ دخالتی در دیگر قوا (براساس تفکیک قلمروی قوا از یکدیگر) است و طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی، دولت مکلف به اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی است و حق تخلف از مصوبات مجلس و شورای نگهبان را ندارد و تنها نقش اجرایی را تعقیب می‌کند و طبق اصل ۱۳۱، در صورت عزل رئیس‌جمهور توسط رهبر یا... در صورتی که معاون اول نداشته باشد، رهبر، فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند. علاوه بر رهبر، مجلس نیز حق استیضاح و عزل رئیس‌جمهوری را دارد و طبق اصل ۱۳۴، رئیس‌جمهور در برابر مجلس نیز مسوؤل اقدامات هیات وزیران است و برای نصب ویزیرانش نیز باید موافقت مجلس را اخذ کند و در صورت توجه اتهام به رئیس‌جمهور یا هیات دولت، طبق اصل ۱۴۰، آنان با اطلاع مجلس، توسط دادگستری محاکمه می‌شوند، دارایی رئیس‌جمهور باید تحت کنترل قوه‌قضائیه باشد تا برخلاف حق، افزایش نیابد.

■ **بخشی دیگر از اختیارات ولی‌فقیه**
اساساً عدول عملی آقای منتظری از نظریه فقهی خود در باب اختیارات رهبری به مقدار زیادی، در واقع چیزی بیش از یک موضع‌گیری سیاسی نیست گرچه ایشان به تدریج در فقهی کردن آن بکوشند.
براحتی می‌توان حدس زد که ایشان از کدام نظریات خود به تدریج در عمل، عدول کرده یا خواهند کرد. حال آنکه در دوران قائم‌مقامی خود که رهبری خویش را مسجل دیده و امتناع برخی از فقها، در تن دادن به رهبری ایشان پس از امام «رض» را بالعین مشاهده می‌کردند، در حین بحث فقهی به مسأله نفسانیت‌ها و حسادت‌ها و اطاعت‌ناپذیری‌های دیگر مدعیان، توجه داده و چنین موضفه کرده بلکه فتوا می‌دادند: «لا یجوز بالتخلف عن حکم من جمعه الامام المعصوم والیا بالفعل کما لا یجوز مزاحمتهم...هنا اذا ادعوا بکون الحاکم المتصدی و اجدا للشرائط التي اعتبرها الشرع فی الوالی، و اما اذا لم يدعوا بذلک فلا تجب الاطاعه قهرا و ان امکن القول بجرمه التجاهر بالخلفه و لا یلغی انه من هذا النقطه ایضا نبی‌ا التشاجر و الاختلاف و اختلال النظام و فوت المصالح المهمه لذلک و لیس هذا الفرض بقابل فان کثیرا منا ممن یکنر منه الجهل او الاشبانه بالنسبه الی احوال غیره او ممن یغلب علیه الهیوی احیانا و لا یخولفی عن حکم ذاته من نحو من الاعجاب بالنفس و عدم الاعتنا بالغبیر و التحقیر له او الحسد له و بغیر له التسلم لفرد مثله و الاطاعه له الا من عصمه‌الله تعالی...».
چنانچه می‌بینیم ایشان نعت‌ها تخلف از دستورات ولی فقیه را جایز نمی‌دانستند بلکه حتی «مزاحمت» را حرام دانسته و سپس می‌افزاید که حتی اگر این را با نیت فیه، شخص رهبر را واجد شرایط رهبری بدانند باز هم تضعیف رهبر و مخالفت علنی با او جایز نیست (به شرطی که حکومت به کلی منحرف و فاسد نشده باشد) زیرا در غیر این صورت، مشاجرات اجتماعی باعث اختلال نظام و تضعیب مصالح مهم‌تر اجتماعی می‌شود. سپس می‌افزاید که این فرض، فرض استثنایی نیست بلکه چه‌بسا راجع نیز باشد یعنی همواره ممکن است فقهایی باشند که صلاحیت‌های شخص رهبر را نداشته و بی‌اطلاع باشند و لذا او را قبول نداشته باشند اما آنان حق صفت‌بندی علیه او را که منتخب